



عزیز دولت‌آبادی

دیوان کمال خجندی

چاپ مسکو، ۱۹۵۷. به اهتمام شیدفر

کمال‌الدین مسعود خجندی متخلص به کمال از عرفا و شعرای غزلسرای سده هفتم هجری قمری است. وی بسال ۸۰۳ در تبریز وفات یافت و در ولایتانکوه (یکی از محلات تبریز) در باغ و زاویه متعلق بخودش رخ درنقاب خاک کشید.

دیوان اشعارش برای نخستین بار بسال ۱۳۳۷ شمسی برابر با ۱۹۵۸ میلادی به اهتمام نگارنده با مقابله پنج نسخه خطی قدیمی و یک جنگ در تبریز بچاپ رسید و از مجموع این شش نسخه ۹۴۴ غزل و ۲ قصیده و یک مستزاد و ۸۷ قطعه و یک مثنوی و ۳۱ رباعی و ۹ تک‌بیت و ۸ معما و مجموعاً ۶۹۷۴ بیت فراهم آمد.

آقای ایرج افشار در بهار سال ۱۳۳۸ ضمن مقاله انتقادی که در "راهنمای کتاب" (شماره اول سال دوم) انتشار دادند دیوان کمال را معرفی و پاره‌ایی از مطالب مقدمه بر دیوان را تأیید و بنکاتی از قبیل قصور اینجانب در مورد بکار نگرفتن سایر نسخ موجود در کتابخانه‌های: سپهسالار و مجلس و کتابخانه‌های خارج از کشور، لزوم تنظیم فهرست مطالع غزلیات و... اشارات مفیدی کردند و با استخراج قسمتی از امثال و تعابیر کهن (موجود در دیوان کمال) و اکمال فهرست اعلام به تتمیم راهنمایی و افاضه پرداختند.

جای شادمانی است که همین دیوان بسال ۱۹۷۵ میلادی (یعنی ۱۷ سال پس از نخستین چاپ آن) بوسیله انستیتوی خاورشناسی اکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی به کوشش آقای شیدفر و تحت نظر: ای. س. براگینسکی در مسکو به چاپ رسید. در چاپ مسکو شش نسخه خطی موجود در کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی و نسخه چاپی تبریز بشرح ذیل بکار گرفته شده است:

نسخه باکو (مورخ ۸۷۸) ، دوشنبه (۸۸۱) ، تاشکند (۹۲۵) ، سمرقند (۱۲۷۳) ، انین‌گرا (۱۲۸۴) ، لنین‌گرا (بدون تاریخ) . آقای شیدفر نسخه باکو را اساس طبع قرار داده و در مورد استفاده از نسخه چایی تبریز چنین نوشته‌اند :

" بعد از کار ترتیب دیوان حاضر و پیش از چاپ آن نسخه چاپ تبریز که باهتمام عزیز دولت‌آبادی از روی پنج نسخه قدیمی دیگر تصحیح شده است بدست ما رسید . . . و در ترتیب متن انتقادی دیوان حاضر مورد استفاده قرار گرفت . علامت اختصاری آن " تب " است . تعداد غزلهائی که در مآخذهای ما نبود از دیوان نامبرده به دیوان حاضر داخل گردید . " ص ۸ - ۷ .

چاپ مسکو در چهار مجلد و حاوی ۹۷۸ غزل و ۴ قصیده و ۱۰۱ قطعه و یک مستزاد و ۳۷ رباعی و یک مثنوی و ۱۱ معما و ۷ تک بیت و مجموعاً ۷۳۳۵ بیت میباشد و ۳۶۱ بیت بر چاپ تبریز فزونی دارد .

مصحح در مقدمه بر دیوان فقط بمعرفی مشخصات نسخ پرداخته و بشرح حال شاعر و شیوه تصحیح اشاره‌ی نکرده است و برخلاف تصریح خود که نسخه باکو را اساس طبع معرفی نموده عملاً سایر نسخه‌ها حتی نسخه چایی تبریز را (غزل ۱۷۰ ، ۳۴۵ ، ۶۴۴) متن قرار داده و اختلافات نسخه اصل را در حاشیه ذکر کرده است . و پارهای از غزلیات را هم به اعتبار یک نسخه نقل (غزل ۱۲۶ ، ۶۲۳) و از متایسه آن با نسخه چایی تبریز غفلت ورزیده است .

غزل شماره ۲۳ در چاپ تبریز بازده بیت است و در چاپ مسکو ده بیت و یک بیت آن از قلم افتاده است ، همچنین مستزاد در چاپ تبریز ۱۶ بیت است (ص ۲۲) و در چاپ مسکو ۱۲ بیت آن ضبط (ص ۳۰) و اصطلاح مستزاد در حاشیه به اشتباه " اغز " قید شده است ، قطعه ذیل را بدون در نظر گرفتن وزن آن در ردیف رباعیات ضبط کرده است (ص ۱۰۵۲) :

آن خوش پسر که بردند در مکتب نظامش / مشتاق اوست از جان دارد ورا گرامی
سیمین ذقن نگاریست دیوان شیخ دردست / یارب نگاه دارش از خمسه نظامی
و این قطعه را از قلم انداخته است :

مثنی چرخ را و تورا ای فرید عصر / با آنکه هر دو نجم گرفتید طارمی
باشد تفاوتی ز زمین تا به آسمان / ز آن نجم تا برتبت این نجم طارمی

(چاپ تبریز ص ۳۹۱)



غزلهای شماره ۵۲ ، ۷۱ ، ۱۹۰ ، ۲۱۳ ، ۲۴۱ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۲۵۸ ، ۲۶۴ ، ۲۸۷ ، ۳۰۲ ، ۳۱۷ ، ۴۲۰ ، ۴۳۶ ، ۴۵۵ ، ۴۶۳ ، ۴۸۹ ، ۵۱۴ ، ۵۱۷

۶۳۶ ، ۷۳۲ ، ۸۰۶ ، ۸۱۰ ، ۸۲۸ ، ۸۷۰ ، ۸۸۲ ، ۹۵۲ و قطعه ۹۸۵ و ترانه‌های ۱۰۸۵ و رباعی ۱۰۸۷ را منحصرًا از چاپ تبریز نقل و در حواشی نغزهای شماره ۱۶ و ۱۹ ، ۱۱۵ ، ۱۳۶ ، ۳۵۶ ، ۴۳۱ ، ۹۰۲ به مقدمه اینجانب بر دیوان مورد بحث و بترتیب به حواشی صفحات ۶ ، ۷ ، ۴۶ ، ۵۳ (مقدمه صفحه ۸) ، ۱۱۹ ، ۱۳۵ ، ۱۶۲ ، ۳۴۵ متضمن تأثرات شاعر از آیات قرآن مجید و آثار اساتید متقدم نظری داشته و از ذکر مأخذ خودداری کرده است .

غزل‌های چاپی دیوان کم نیست. مسامحه‌هایی نیز در انتخاب کلمات بچشم می‌خورد که نمونه‌هایی از آن بدین شرح است :

بکلمات محمد که از او یافته‌اند چاریار از شرف صحبت او عزّ و جلال

چاپ مسکو ص ۱۴

که تکرار ضمیر " او " در دو مصراع دور از شیوه " کمال " میباشد. بیت مذکور در نسخه چاپی تبریز ص ۲ چنین ضبط شده است :

بکلمات محمد که بحق یافته‌اند اهل بیت از شرف صحبت او عز و جلال

صد جان ز ما ستاندویک بوسه وعده داد بسیار بخش دلبر اندک پذیر ما

چاپ مسکو ص ۲۵

که وزن مصراع اول درست نیست. در چاپ تبریز ص ۴ آمده :

صد جان ز ما ستاندویک بوسه وعده داد

مقطع همین غزل چنین است :

روز حساب غم نخورم از گنه کمال گر عقد زلف یار بود دستگیر ما

که فعل مفرد با ردیف جمع " ما " سازگار نیست . وجه صحیح آن در چاپ تبریز " غم نخوریم " آمده است .

بیوی وصل او می‌خور غم هجران که خوش باشد

کشیدن زحمت خارا برای راحت خرما

چاپ مسکو ص ۴۱

چاپ تبریز ص ۹ : کشیدن زحمت خار از برای راحت خرما.

چو زلف تو بود از تکبر دوتا بیادی بیفتاد مسکین ز پا

چاپ مسکو ص ۴۹

در چاپ تبریز ص ۱۱ : " تکسر " ضبط شده نه " تکبر " که معنی را فاسد کرده، متکبر

نهدوتا و نه مسکین است . تکسر یعنی تواضع که ز گردن فرازان نکو شمرده شده است .
خود کمال بدین معنی چنین اشاره کرده :

عاشق شکسته پای نهدر پیش تست و بس
هرجا رود چو زلف تو مسکین فروتن است
چاپ تبریز ص ۳۲

ای مطرب خوش الحان امشب بمال برچنگ
خلقی نهفته سوزد سوز نهفته سازت
چاپ مسکو ص ۱۱۶

در چاپ تبریز ص ۳۹ :

ای مطرب خوش الحان امشب بمال برچنگ ،
طلق مغرب تلک که سنگ سفید براقی است که بهرجه بمالند برآن آتش اثر نکند .
طلق مغرب تلک که سنگ سفید براقی است که بهرجه بمالند برآن آتش اثر نکند .

**

دو گون طالب گلزار جنتند بکمال
ز بوستان و ز گلزار یار میطلب
چاپ مسکو ص ۵۰۵

در چاپ تبریز ص ۱۸۱ :

دو گون طالب گلزار جنتند و کمال
نه بوستان و نه گلزار یار میطلب

سرخ گردد هرکه از هر سو دوید
اشک ما سرخ از دویدن شد مگر
چاپ مسکو ص ۵۷۶ :

در چاپ تبریز ص ۲۰۵ : سرخ گردد هرکه از هر سو دود

چاپ مسکو ص ۶۲۶ : داشت از آب جو گل آینه در پیش جمال
چاپ تبریز ص ۲۲۵ : داشت آن حور چگل آینه در پیش جمال

چاپ مسکو ص ۶۲۹ : ساکن نکرد گریه ز دل فرقت کمال
چاپ تبریز ص ۲۷۷ : ساکن نکرد گریه زد دل حورقت کمال

سوز کباب کم نشد از خون چکیدنش
چاپ مسکو ص ۶۵۲ : میوش رخ که غلو کرد خط نگارین

چاپ تبریز ص ۲۳۷ : میوش رخ که غلو کرد خط رنگارین

چاپ مسکو ص ۷۲۹ : در حیرتم که بی تو چرا موده نیستم

در خجلتم که بی تو چرا زنده مانده ایم

در چاپ تبریز ص ۴۶۷: قافیهها مفرد و متناسب با سایر افعال ضبط شده است .

چاپ مسکو ص ۷۴۵ : سوز دل ما چو خط بر آری ما مردم ناننوشته خوانیم
چاپ تبریز ص ۲۷۳ : سوز دل ما چو خط بر آری

چاپ مسکو ص ۷۴۷ : گفتیم دعای تو و از بخت مخالف
از لفظ تو دشنام شنیدیم و گذشتیم
در چاپ تبریز ص ۲۷۱،۳ : " بخت همایون " قید شده که با سبک شاعر سازگار است .
چون " کمال " هرگز در مقابل دشنام یار در مقام شکایت بر نمی آید بلکه آنرا بجان
میخورد و شاد می شود :

مادر این شهزادام صمی دربندیم که بدشامی از او شادو بیغم خرسندیم

چاپ تبریز ص ۲۷۶

هم بدشامی چه باشدای ملسوی کز دعاگو یان خود یاد آوری

چاپ تبریز ص ۳۶۱

گاهی وجه غلط کلمه را متن قرار داده و صورت صحیح نسخ معتبر و اقدم را در
حاشیه آورده اند .

گفت شیخا برو تو خود را گوش گل شاة بر جلهبا استنباط (!)

چاپ مسکو ص ۱۰۳۱

که وجه صحیح آن : " ستناط " در حاشیه قید شده و صوت غلط آن در متن .

در تنظیم اشعار دیوان اگر روش الفبائی بکار بسته میشود بهتر آنست که حروف
دوم و سوم قوافی نیز رعایت شود تا پیدا کردن شعر مورد نظر به آسانی صورت گیرد .
اکثر مصححین از این رسم دیرینه متابعت میکنند که در هر یک از قافیهها ، غزلیات
و سایر انواع شعر را بترتیب الفبائی کلمات اولمطالع مرتب مینمایند و بعد در ابتدا
و یا پایان دیوان فهرستی از مطالع را به اعتبار الفبائی بودن قوافی بدست می دهند .
مناسفانه آقای شیدفر هیچیک از این دوکار را رعایت نکرده اند ، در مورد قصاید
و غزلیات روش دوم را پاکم توجهی انجام داده ولی از تهیه فهرست مطالع غفلت
ورزیده و در قطعات و رباعیات و معنیات و مفردات ترتیب الفبائی کردن قوافی را نیز
کنار گذاشته اند .

مصحح در پایان دیوان فهرستی از اعلام بدست داده اند که بسیار ناقص و گمراه
کننده است . چون من قسمتی از اعلام افتاده را استخراج کرده ام درینم آمد که نتیجه
این کوشش در حواشی دیوان بایگانی شود لذا بمنذور اکمال کار آقای شیدفر افتادگیها

را ذیلاً می‌آورم تا شاید دارندگان دیوان کمال (چاپ مسکو) نسخه خود را اصلاح فرمایند . ستاره‌ها علامت اینست که ذکر اعلام شده ولی همه موارد آن ضبط نشده است :

۹۶۰ ، ۲۸۸ ، ۹	فریدون	۱۵۵	آدم
۳۸۱	* قارون	۱۰۵۶	آل‌گر
۹۸۰	کاشی	۱۰۵۶	آل مصطفی
۲۱۱ ، ۱۱۹	کسری	۵۱۳	ابراهیم ادهم
۱۰۰۳ ، ۹۸۰	* کمال‌الدین اصفهانی	۶۳۳ ، ۶۲۹ ، ۲۴۵	ابراهیم خلیل
۲۷۸	کی	۶۸۹ ، ۵۸۷ ، ۱۳۲	* اسکندر
۸۰۵ ، ۸۰۴ ، ۷۸۸	گلگون	۳۴۸	* امیر خسرو دهلوی
۱۰۷۱	ماموش	۷۸۱	اویس قرن
۲۴۷	ماوراءالنهری	۱۴۰ ، ۳۵۸ ، ۶۴۱ ، ۸۹۴	* ایاز
۶۷۵ ، ۶۳۸ ، ۲۷۵	مبارک	۴۱۲	بایزید
۵۱۳ ، ۳۴۸ ، ۱	محمد مصطفی (ص)	۱۱۳۱ ، ۹۸۰	بوکر ریایی
۱۰۷۳ ، ۱۰۴۸	معادی	۴۹۷	پیر بغداد
۴۳۵ ، ۱۹۵	* موسی (کلیم‌الله)	۸۱۳	ترکمانان
۹۴۶ ، ۹۰۵ ، ۴۹ ، ۲۳	مولانا جلال‌الدین	۹۰	جبرئیل
۷۸	نوح	۵۸۸ ، ۷۱ ، ۳۸	* جم
۲۷	واقف	۱۰۶۴	جنید
۶۹۲	هاروت	۱۱۳۹ ، ۱۱۳۶	جهان خاتون
۱۰۴۵	همام تبریزی	۴۲۸	* حافظ شیرازی
۲۸۳	هندوان	۱۱۳۷	حمیرا
۶۳۳ ، ۶۲۹	* یوسف	۸۸۶ ، ۶۹۲	خجندی
<u>اماکن</u>		۴۵۴	ساحر بابل
۶۲۳	* اصفهان	۹۸۰	سپاهانی
۷۷۹	بارنگند	۹۸۴	* سعدی
۴۹۷	بصره	۵۱۲ ، ۶۵۲ ، ۷۳۹ ، ۷۸۶	* سلیمان
۴۹۷	* بغداد	۹۶۴	
۴۴۶	* بیستون	۱۵ ، ۱۶۷ ، ۳۲۰ ، ۸۸۶	سمرقندی
۲۴۶ ، ۳۸۱ ، ۷۵۲ ، ۸۶	* حیون	۲۹۳ ، ۱۹۹ ، ۷۷ ، ۴۹۰ ، ۴۵۴ ، ۳۴۱	* شیرین
۵۳۴ ، ۹	چگل	۸۱۹ ، ۸۰۹ ، ۶۷	عجم
۲۶۱ ، ۱۲۲ ، ۱۰۸	* چین	۶۷	عرب
۸۵۳ ، ۸۰۵ ، ۴۳۳		۱۱۳۸	* عصار (محمد)
۸۹۴ ، ۷۷۸	* حجاز	۲۲ ، ۷۸ ، ۱۱۹ ، ۲۸۱ ، ۲۶	* عیسی مسیح
۶۷	حلب		

۱۵۵ ، ۱۲۴	فرات *	۴۰۱ ، ۲۲۶ ، ۲۲۳ ، ۱۲۲	ختن *
۲۷۹	گرمان	۴۹۷	خجند *
۴۴۰	مروه	۶۵۱ ، ۲۲۳ ، ۱۷۱	خطا
۱۰۰۵	مشکین	۱۰۵۷ ، ۷۵۲ ، ۲۹۳	خوارزم *
۵۶۰ ، ۲۶۲	مصر *	۴۹۷	دجله *
۵۷۱	ولیانکوه	۹۰۵ ، ۴۹۷	روم
۷۸۱	یمن	۵۱۲	زمزم
		۱۰۴۷ ، ۹۸۱ ، ۸۸۸	سرای
		۱۴۲	شام *
		۵۶۰ ، ۲۶۳	شیراز *
		۴۴۰	صفا
		۲۱۱ ، ۱۱۹	طاق کسری
		۴۸۰ ، ۴۴۲ ، ۲۱۱ ، ۱۹۵	طور *
		۷۴۸ ، ۶۲۳	عراق *
	<u>کتب</u>		
۱۱۲۳ ، ۹۹۶ ، ۹۶۸	خمسه نظامی (پنج گنج) ۹۶۸		
	دیوان شیخ (سعدی) ۱۱۲۳		
	قانون (ابن سینا) ۸۰۴		
	کشاف ۲۸۰		
	وقایه ۵۰۷		
	هدایه ۵۰۷		

بدیهی است که نظرات اصلاحی مذکور هرگز از اهمیت کار آقای شیدفر در فراهم ساختن متن نسبتاً کاملی نمیگاهد. در مواردی هم از دقت نظر اینتان سود جستام که برای نمونه موارد ذیل اشاره می شود :

چاپ مسکو ص ۶۹۵ :

فکر تو میکنم در آن دم که خامشیم ذکر تو میکنیم زمانی که ناطقیم

چاپ تبریز ص ۲۵۳ : فکر تو میکنم و در آن دم که خاستیم ؟ ...

همچنین در ابیات زیرین خلال بجای هلال و "زما" بجای "چرا" خوب ضبط شده است :

یارب آن دم کهز سیلاب اجل خانه عمر

بپذیرد خلل و تن شود از غم چو خلال

(ص ۱۴)

*

یار هر دم زمن خسته چرا میرنجد بیگنه میکشد و باز زما میرنجد

(ص ۵۶۰)

رباعی : " آن میر که در سماع سوزی دارد " ... در چاپ تبریز ص ۳۸۱ ضمن مقطعات و در چاپ مسکو ص ۱۰۴۳ در ردیف رباعیات ثبت شده است .
گفتار خود را با تقدیم چند غزل نویافته "کمال خجندی" از جنگی عمیق به

پایان میبرم و به آقای شیدفر در ادامه کارهای تحقیقی و ادبی توفیق خدمت بیشتری را آرزو میکنم .

در سر هوای مهر پری پیگری نداشت
سودای روی خوب جفاگستری نداشت
در پا از آن فتاده که با ماسری نداشت
گشتیم تخم دوستی اما بری نداشت
گرچه ثقیل بود ولی انگری نداشت
زیرا که چشم مرحمت از دیگری نداشت

شادی نیافت هر که غم دلبری نداشت
در حیرتم ز آدمی گاو بعمر خویش
با ما سری بوصل درآور که گیسویت
در جان خود بدست ارادت بخون دل
چون باد رفت گشتی عموم برآب چشم
در هر چمن "گمال" بروی توگردخوی

تا جان ندهی صحبت جانان نتوان یافت
گنجی است که جز درد دل ویران نتوان یافت
در روی زمین هیچ مسلمان نتوان یافت
انصاف که در چشمه حیوان نتوان یافت
جز در دل آن زلف پریشان نتوان یافت
با درد بسازیم چو درمان نتوان یافت
بی آنکه گنی قطع بیابان نتوان یافت

بی درد دلی راه بدرمان نتوان یافت
در دل نبود جای غم عشق توکان غم
تا چشم تو بود و سر زلفین تو گافر
جان پروری گزلب دلجوی تو دیدیم
دلهای پراکنده دلانرا غم عشقت
در دامن خاری بنیشینیم چو گل نیست
برخیز "گمالا" که در کعبه مقصود

در معرض دهان تو آب حیات هیچ
نازکتر از میان تو از ممکنات هیچ
بی دولت وصال تو جان را ثبات هیچ
گفت و نبود حاصل از آن طرہات هیچ
معلوم هست ناله و زاری مات هیچ
با سیل‌های چشمه چشم فرات هیچ
باشد به پیش همت او کاینات هیچ

ای پیش شکرین لب لعلت نبات هیچ
از نازکی میان تو هیچ است و گس ندید
بی طلعت جمال تو دل را قرار کم
با طرہات قصه احوال ما صبا
ای بر سریر حسن و ملاحت غنوده خوش
قوت گرفت آب دو چشم چنانکه هست
هر کس که چون "گمال" بجشم تو شد عزیز

ماهیهای آکواریوم آب شیرین

ترجمه و تالیف دکتر علی فرشچی

۳۳۵ صفحه - ۱۴۷۵ ریال

انتشارات روزبهان - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران